



انسان با هر نفس به مرگ نزدیک می شود/ ابدی بیاندیشید و کار کنید

آیت الله جوادی آملی گفت: امیرالمومنین می فرماید انسان وقتی نفس می کشد یک گام نه یک قدم، به قبر نزدیک تر می شود. کسی که یک گام عمر بدهد و یک گام علم نگیرد، مغبون است.

آیت الله جوادی آملی گفت: امیرالمومنین می فرماید انسان وقتی نفس می کشد یک گام نه یک قدم، به قبر نزدیک تر می شود. کسی که یک گام عمر بدهد و یک گام علم نگیرد، مغبون است.

به گزارش خبرگزاری مهر، جلسه هفتگی درس اخلاق حضرت آیت الله جوادی آملی به روال هر پنجشنبه در محل نمازخانه بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء در قم برگزار شد.

آیت الله جوادی آملی در این جلسه در ادامه سلسله مباحث شرح نهج البلاغه حضرت امیر(ع) به شرح کلمه هفتاد و چهارمین کلمه از مجموعه کلمات قصار نهج البلاغه پرداخت و بیان داشت: هفتاد و چهارمین کلمه قصار نهج البلاغه این است که حضرت فرمود «تَقَسُّ الْمَرْءُ خَطَاةَ إِلَى أَجَلِهِ»؛ یعنی هر نفسی که انسان برمی دارد یک گام به قبر نزدیک تر می شود.

نزدیک شدن انسان به مرگ با هر نفس کشیدن

وی ادامه داد: مستحضرید ما یک قدم داریم و یک گام، فاصله بین پاشنه تا پنجه را می گویند قدم و فاصله بین دو قدم را می گویند گام. این بیان نورانی حضرت امیر که فرمود: «تَقَسُّ الْمَرْءُ خَطَاةَ» یعنی انسان وقتی نفس می کشد یک گام نه یک قدم، به قبر نزدیک تر می شود، حالا که با هر نفس، به قبر نزدیک تر می شویم، باید در عوض این عمری که می دهیم یک چیزی بگیریم، اگر چیزی نگیریم می شود غبن. اینکه در قرآن سوره ای است به نام سوره «تغابن» که «يَوْمَ يَجْمَعُكُمُ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ» یعنی در آن روز غبن برای افراد روشن می شود، کسی که یک گام عمر بدهد و یک گام علم نگیرد، مغبون است.

وی اذعان داشت: اینکه حضرت فرمود انسان با هر نفس به قبر نزدیک تر می شود نمی خواهد فقط دستور یأس بدهد که انسان ناامید بشود بلکه یاد مرگ عامل پویایی است چون اولین چیزی که بعد از مرگ از انسان سؤال می کنند این است که «عُمْرُكَ فِيمَا أَقْنَيْتَ»؛ چکار کردی و چه با خود آوردی؟ بهترین کار این است که انسان در جهان یک تحقیقی کند، علم زنده، عالم را حی لا یموت می کند! چطور وجود مبارک حضرت امیر فرمود «أَلْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ»؟ برای اینکه انسان با اندیشه و علم زنده است، وقتی علم زنده است که معلوم زنده باشد، اگر معلوم زنده باشد علم را حی می گویند، علم حی، انسان را زنده می کند، عالم به علم زنده است و علم به معلوم، اگر مثلاً ما زمین شناس بودیم اما آغاز و انجام این علم زمین شناسی را یعنی «چه کسی آفرید و برای چه آفرید؟» را کنار گذاشتیم این لاشه علم است، لذا چه کسی آفرید؟ برای چه آفرید؟ (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ) را باید همواره در نظر داشت اگر این نباشد این علم مرده است.

آیت الله جوادی آملی در بخش دیگری از این جلسه در شرح کلمه ۷۵ از کلمات نورانی حضرت امیر(ع) اظهار داشت: کلمه نورانی ۷۵ این است که فرمود: «كُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٌ وَ كُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ»؛ فرمود هر چه که قابل سنجش هست پایانی دارد و خواهد آمد؛ بعضی از امور قابل شماره نیست یا برای اینکه اصلاً کمیت و عدد نیست مثل معارف، معارف نه کیلی اند نه وزنی اند نه ممسوح اند نه معدود. چیزهای مادی را انسان یا با کیل یا با وزن یا با مثل یا با مساحت ها و دماسنج ها می سنجد، اما علم را انسان بخواند بسنجد، ادب و احترام را بخواند بسنجد، عفاف و حجاب را بخواند بسنجد، اینها امر مادی نیست که قابل سنجش باشد! فرمود هر چه معدود هست «كُلُّ مَعْدُودٍ» این می گذرد، اول ناقص می شود و بعد تمام می شود، اما چیزی که نه زمان دارد نه زمین، نه کم متصل دارد که بشود هندسه و نه کم منفصل دارد که بشود حساب، این قابل ارزش نیست، این ثابت است نه اینکه ساکن باشد.

انسان موجودی ثابت و ابدی / ابدی بیاندیشید و کار کنید

وی ابراز داشت: ما یک ثابت داریم و یک ساکن؛ اگر یک چیزی ساکن باشد در دراز مدت خسته می شود و فرسوده. اما اگر چیزی بالاتر از حرکت و سکون باشد، زمان و زمین نداشته باشد، عدد و ممسوح و معدود نداشته باشد، این ثابت

است و نه ساکن! علم این طور است، معرفت این طور است، عقیده این طور است، روح این طور است، ما این طور هستیم، بله بدن که تحت افق زمان است این آسیب می بیند و می پوسد و دوباره ذات اقدس الهی آن را ایجاد می کند اما روح این طور نیست روح ثابت است و اگر روح ثابت است چه بهتر که ما او را با ثباتات مزین کنیم، با ابدیت مزین کنیم و به غیر ابدی نیاندیشیم، هرگز خود را با یک موود عادی و مادی نسنجیم و به حساب نیاوریم، ما یک موجود ثابت و ابدی هستیم لذا باید ابدی بیاندیشیم و کارهای ابدی بکنیم و کارهای ابدی با رنگ و لعاب و ریا و امثال ذلک هماهنگ نیست، آنچه خالص است ابدی است و می ماند.